

از جمله بدایع و شگفتی‌های بلوای اخیر کاربرد بی‌محابا و دسته‌جمعی الفاظ و دشنام‌های رکیک به عنوان شعار اعتراضی بود! این شگفتی دست‌کم برخی از اهالی تحلیل و تبیین مسائل اجتماعی ایران را به صرافت انداخته تا توضیحی برای آن دست‌وپا کنند. چه بسا کار تبیین همین است که آنجا که امری نامألوف و نامنتظر رخ داده با روشن ساختن علل و بنیادهای آن از شگفتی بکاهد. گرچه برخی تحلیل‌هایی که در ماه‌های اخیر در این باب طرح شده خود مستقلاً موجب شگفتی و نیازمند تبیین است!

هرچند خوش نداشته باشیم، دشنام یا همان «فحش» بخشی گریزناپذیر از عموم فرهنگ و زبان‌هاست و جامعه ما نیز با آن بیگانه نیست. بنا بر ویژگی‌های متفاوت فرهنگی، طبقاتی، صنفی، جنسیتی و موقعیتی نحوه کاربرد دشنام، میزان رکاکت آن و حدود تحمل یا واکنش نسبت به آن تعیین می‌گردد. حتی حوزه سیاست نیز به عنوان یکی از ساحات زندگی جمعی، دشنام‌های خاص خود و شیوه‌های تعریف شده و شناخته شده دشنام‌گویی را دارد؛ طیفی که از تعابیر سیاسی عقیدتی چون فاشیست و منافق و دیکتاتور آغاز می‌شود و تا تعابیر تندتری چون رذالت و حماقت و امثال آن امتداد می‌یابد. البته در فضای غیررسمی و به ندرت رسمی سیاست مواردی نزدیک‌تر به معنای عرفی فحش نیز به کار می‌رود. در تظاهرات و تجمعات مردمی نیز فرایند طعن و تهاجم به مخالفان سیاسی عموماً از همین قواعد تبعیت کرده است. در حرکت‌های جمعی پیش و پس از انقلاب فرد یا نهادی که آماج تهاجم جماعت بود، به دزدی و خیانت و ستمکاری، متصف می‌شد. بعضاً به صورت شاذ و نادر شعارهایی وجود داشت که از این حدود فراتر می‌رفت (مثل شعاری در دوره انقلاب که طهارت نطفه شاه را مورد خدشه قرار می‌داد) که با مداخله و نهی صریح رهبران کنار گذاشته می‌شد.

تا آنجا که به سابقه سیاسی جامعه ما برمی‌گردد آن‌گونه از فحاشی رکیک دسته‌جمعی که در ماه‌های گذشته و به طور مشخص در برخی دانشگاه‌های شاخص کشور شاهدش بودیم، امری بی‌سابقه و شرم‌آور است. (باید قبل از هر توضیح و تبیینی بر این تأکید کرد) اگر تبیین و توضیح، آن‌چنان که در مواردی شاهد بودیم، بخواهد در خدمت شستن این تباهی و ننگ واضح و کاستن از شرم و فضاحت آن باشد، به نوبه خود در آن ننگ و فضاحت سهیم است.

تخیل جامعه شناختی در مواجهه با پدیده شگفت پیش از هر چیز می‌کوشد که آن را با چیزهایی که از پیش می‌شناسیم و نوعی تداعی بین آن‌ها برقرار است، مانند و مقایسه کند. فحاشی رکیک دسته‌جمعی، پیش از دانشگاه شریف برای ما تداعی‌کننده کدام موقعیت بوده است؟ اولین گزینه‌ای که به ذهن من می‌رسد، استادیوم‌های فوتبال است. آن‌ها که مثل نگارنده این سطور اهل فوتبال هستند و به دلیل علاقه به استادیوم سری زده‌اند، خود